

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ مارچ ۲۰۲۱

استعفای یک تن از سگان پاچه گیر "غنی احمدزی"!

سه شنبه- ۱۲ حوت ۱۳۹۹ - کابل: خبر استعفای یک تن از سگان پاچه گیر و چماق سرکوب "غنی احمدزی" "محمد فرید حمیدی" از مقام "لوی څارنوالی" را روز گذشته در "بی بی سی" خواندم. اما هرچه پالیدم تا تأیید خبر را در آژانس ها و رسانه های خبری داخل کشور بیابم، دستم خالی ماند. تا این که امروز آژانس های خبری "پژواک" و "طلوع" بدون آن که به علل و انگیزه های چنین استعفائی بپردازند صرف به تأیید آن اکتفاء نمودند. از همین رو و برای آن که شما خواننده عزیز را در جریان چیستی قضایا قرار دهم، سری زدم به همکار قبلی ما که اینک دست ما زیاد به دامنش نمی رسد و خلاف گذشته ها که دیدار با ما برایش از روز های تاریخی به شمار می رفت، اینک ما مجبوریم برای دیدارش از "هفت دربند" بگذریم. در هر صورت اینهم نکاتی که از صحبت با وی برداشت نموده ام:

۱- بر همه معلوم است که "محمد فرید حمیدی" با آن سوابق تحصیلی مغشوش در ایران و امریکا، از زمانی که در حکومت دوسره خیانت ملی به حیث "لوی څارنوال" گماشته شد، در تمام این مدت با پروئی و دیده درائی یک نوکر وفادار به بادارش، همیشه به مثابه چماق سرکوب "غنی احمدزی" بر فرق هرکسی که وی خواسته فرود آمده و پاچه هرکسی را که وی اشاره نموده، گرفته است. در این خدمت برده وار تا جائی پیش رفته که اگر بگوئیم به جز شخص "غنی احمدزی" حتا یک نفر دیگر را در تمام دولت دست نشانده با تمام طول و عرض آن برای خودش دوست و رفیق نگذاشته است، مبالغه نکرده ایم.

در همین راستا "غنی احمدزی" برای هر کسی که خواسته دوسیه ای ساخته شود وی را موظف به دوسیه سازی نموده وی نیز با استفاده از تمام دانش ضد مردمی که در ایران و امریکا فراگرفته و تجاربی که خود در دولت دست نشانده بدان دست یافته است، برای فرد مورد نظر دوسیه ساخته، نه به آبروی فرد مورد نظر اندیشیده و نه هم به آینده خودش. حال وقتی چنین فردی با چنان عملکردی می آید و به صورت ناگهانی بدون دنوره و نغاره استعفایش را اعلام می دارد و "غنی احمدزی" هم بدون لحظه ای درنگ آن را می پذیرد، می بایست در عقب پرده چیز های بوده باشد که گفتنش برای هیچ یک در مقطع کنونی آسان نیست.

۲- در کل آنچه مسلم است "فرید حمیدی" براساس فشار های وارده بر خودش و ناامیدی از دریافت کمک "غنی احمدزی" ناگزیر به استعفاء شده است. عواملی را که گفته می شود باعث استعفایش شده است، چنین بیان و حدس می زنند.

الف- "فرید حمیدی" از طرف مقامات تصمیم گیرنده اشغالگران وقتی بدین مقام گماشته شده بود، به وی در مورد دوسیه سازی برای داعیان و وابستگان اسلام سیاسی دست باز و اختیار کامل داده شده بود، مگر همزمان با آن اختیارات به وی فهمانده بودند، که به ارتباط جواسیس تکنوکرات به خصوص آنهایی که تابعیت دوگانه و حتا سه گانه دارند، نباید چشم بسته به دنبال دستورات عقده مندانۀ "غنی احمدزی" عمل نماید.

تا جایی که دیده می شود "فرید حمیدی" در این اواخر در انجام این دستور ناکام مانده چند تن از وزاری زمان "حامدکرزی" را که همه تابعیت دوگانه دارند و به طیف جواسیس تکنوکرات خارج از حلقۀ سیاسی و تباری باند "غنی احمدزی" قرار داشتند، محکمه نموده بدان وسیله اعتبار کشورهای حمایت کننده آن جواسیس را زیر سؤال برده است. از جمله "امین فرهنگ". فردی که با "الله و بسم الله" از طرف استخبارات المان در خدمت تحقق اهداف "سیا" و به مثابه فرد معتمد آنها گماشته شده بود.

قسمی که شنیده می شود، گویا سفارت المان "فرید حمیدی" را بابت روند دوسیه سازی برای "امین فرهنگ" سخت توهین نموده و به وی فرصت زمانی داده بودند که یا استعفاء کند و یا نیروهای اشغالگر و امنیتی المان دست بسته وی را به یکی از زندانهای امن المان در افغانستان انتقال خواهند داد. "غنی احمدزی" هم با شنیدن چنین تهدیدی با "گردن پت" از وی خواسته که استعفاء نماید.

ب- تهدید از جانب سفارت المان نبوده بلکه "دوستم" با رسیدن به کابل بعد از دوونیم سال دوری از مرکز قدرت، به علت بدرفتاری ها، اهانت ها و شکنجه هایی که با افرادش از جانب څارنوالی و شخص "حمیدی" صورت گرفته بود تا در قضیه "سورخ ایشچی" پای "دوستم" به میان کشیده شود و فردی از نگهبانانش وادار گردد تا علیه وی شهادت دهد، در همان زمان سوگند خورده بود که با رسیدن به کابل اینبار داستان "سورخ ایشچی" را بر شخص "حمیدی" عملی خواهد نمود و "غنی احمدزی" در همان زمان به "حمیدی" اطمینان داده بود که تا وی زنده است "دوستم رنگ کابل را نخواهد دید".

اینک وقتی پای "دوستم" به کابل می رسد گویا با اولین تماسش از طریق تلفون با "فرید حمیدی" از وی پرسیده است: "میری یا بیایم". وقتی "حمیدی" مسأله را با "غنی احمدزی" در میان گذاشته و به وی از عهد و پیمانش یاد نموده، "غنی احمدزی" صریح جواب داده که نمی تواند در مقطع کنونی "مارشال صاحب" را از خود براند. یعنی به "حمیدی" فهمانده که خداحافظ.

هموطنان گرامی!

این که کدام یک از این دلایل واقعاً باعث کناره گیری این سگ پاچه گیر گردیده، آیا هر دو همزمان عمل نموده و یا دلایل دیگری نیز از جمله خشم "خلیلزاد" نسبت به "حمیدی" به خاطر ترتیب یک نوع "سجل" و ارسال آن به مقامات امریکائی علیه وی، دخیل بوده معلوم نیست. مگر آنچه مسلم است نکات آتی است:

- *- "غنی احمدزی" با از دست دادن یکی از سگان پاچه گیرش، در واقع باند خود را سخت تضعیف نموده است،
- *- انتخاب فرد دیگری به جای "حمیدی" با اوضاعی که حاکمیت در کل دارد منازعه و جنگ جدیدی را بین جناح های مختلف قدرت در درون باند "غنی احمدزی" و بیرون از آن دامن خواهد زد،
- *- تنها گذاشتن و بیرون انداختن "حمیدی" از طرف "غنی احمدزی"، می تواند درس و هوشداری باشد برای تمام آنهایی که به "غنی احمدزی" اعتماد نموده بی پروا ملعبۀ دست وی قرار می گیرند،

* - استعفاى ناگهانى "حميدى" بيانگر موجوديت تضادهاى عميق در درون حاكميت دست نشانده است، اين كه تا چه حد بازتاب مى يابد و تا چه ميزان كتمان مى گردد، نبايد چنان تصور شود كه حاكميت قادر شده تضادهاى درونى اش را حل نمايد.

هموطنان گرامى!

در چنين شرايط و اوضاعى كه حاكميت از يك جانب از درون شاريده و تضادهاى درونى آن روزتاروز اوج و حدت بيشترى گرفته تصفيه هاى فزونترى را باعث مى گردد و از جانب ديگر زير فشار هاى مخالفان داخلى و حاميان خارجى اش قرار دارد بر من و توسـت تا به فعاليت هاى خويش بيشتر از پيش پاى فشرده، كارها ناتمام مان را به سرعت و دقت كاملترى به اتمام برسانيم و نگذاريم تا دستاورد سقوط محتوم حاكميت را ديگران به يغما ببرند!

مبارزه عليه امپرياليسـم و ارتجاع، جزءلايتجزاى مبارزه عليه دولت دست نشانده مى باشد!

سرکها ما را مى طلبند!